



بیشتر از این طبی نباشیم!

مسعود شجاعی طباطبائی

رونالد سیرل را به حق باید از شناسندگان هنر کاریکاتور نوین در قرن معاصر دانست. آثار و تحقیقات و مطالعات او در زمینه هنر کاریکاتور به صورت مجموعه‌ها و کتابها بارها و بارها تجدید چاپ شده است. او با نشریات معتبر و پرتیراژ دنیا همکاری داشته است کتاب او در زمینه تاریخ کاریکاتور با عنوان

LA CARICATURE ART ET MANIFESTE

«کيهان کاریکاتور» از شماره اول خود شروع به چاپ ترجمه فصلهای این کتاب کرده است. مرجعی کامل در این زمینه در دنیا به شمار می‌رود.

اما پیش از ذکر تاریخ و محل تولد و مشخصات متعارف این هنرمند که معمولاً باید در آغاز مطرح شود، مشکل است بتوان خویشتن داری کرد و در ابتدا نگفت که رونالد سیرل در جریان جنگ جهانی دوم به مدت هفت سال در یکی از مخوفترین زندانهای دنیا در برمه اسیر و زندانی بود. نکته جالب در اینجاست که سیرل کاریکاتور را از همانجا به شکل جدی آغاز کرد و در واقع طراحی کاریکاتور برای او به منزله تسکین دهنده‌ای برای تحمل زندگی در جایی بود که خیلی‌ها نتوانستند زنده از آن خارج شوند. در عین حال، این آثار حکم زنگ تفریحی برای هم سلولیهایش داشت. طرحهایی از شرایط سخت زندگی که با طنزی سیاه عجین شده و یادآور شرایط سخت و طاقت‌فرسای آن زندان است. قیافه‌های رنجور و تکیده زندانیان با زهر خندی که بر صورت دارند، در برابر چهره‌های بی تفاوت و ابلهانه زندانیان به خوبی احساس درد و رنج زندانیان را نشان می‌دهد. سیرل خود در این باره می‌گوید: «این طرحها روش مناسبی برای تحمل کردن قضا و قدر بود. در واقع، این کار روشی برای مبارزه بود، مبارزه کردن در بازداشتگاه بخشی از زندگی‌ام را تشکیل می‌دهد. هرچند معتقدم کل زندگی نیز یک بازداشتگاه است، بازداشتگاهی که تمام عمر انسان را دربرمی‌گیرد.»

رونالد سیرل در ۱۹۲۰ در کمبریج انگلستان به دنیا آمد. او خیلی زود استعدادش را در طراحی و نقاشی نشان داد. خود وی در این باره می‌گوید: «من از ابتدا دستخط بسیار بدی داشتم و این خضونت در نوشتار به من کمک کرد تا در نقاشی به فرمهای عجیب و غریبی برسم و استعدادم در این زمینه رشد کند. همه این امکانات تنها با یک قلم آهنی یا یک مداد ساده فراهم می‌شوند. به تدریج جاذبه افسونگر طراحی و سواسی را در من ایجاد کرد که به دنبال یک نوع تیپ‌سازی خاص خود بگردم و مطمئناً تمام اینها برای یک بچه کم‌سن و سال چپ دست لایالی بسیار زود بود. زمینه آشنایی‌ام با کاریکاتور هم زمانی بود که به نظرم رسید بسیاری از مسائل اطرافم غیر عادی و غیر طبیعی‌اند. من در بازنگری به آنان در واقع ابتکار به خرج می‌دادم که البته به نظر خودم طبیعی جلوه می‌کرد، یعنی، هرچیزی را همانطور که باید بود، می‌دیدم، اما البته از دید خودم! گرچه خلیلهای روی این طرحها اسم کاریکاتور می‌گذاشتند.»

سیرل با تشویق دوستان و خانواده‌اش به مدرسه هنرهای زیبای کمبریج رفت و از آنجا فارغ التحصیل شد. پایان تحصیلات او با آغاز جنگ جهانی دوم همزمان شد و او با پیوستن به گردان داوطلبان، عازم

ژاپن شد. همانطور که گفته شد در این جنگ او به اسارت درآمد و دوران سخت زندان گرچه بر روحیه او تاثیر بسیار بدی داشت؛ ولی در روند شکل‌گیری کار هنری او تأثیری اساسی گذاشت.

پس از جنگ، زندگی سیرل را باید در سفرهای او به کشورهای مختلف دنبال کنیم. شاید قید و بند اسارت تأثیری این چنین بر او گذاشته بود که بقیه دوران عمر را در یک محدوده خاص اقامت نکند. سیرل به کشورهای گوناگونی مانند یوگسلاوی، لهستان، آلمان، ایتالیا، شوروی و آمریکا سفر کرد و با نگاهی تیزبینانه سفرنامه‌های ترسیمی طنزآمیزی را به تصویر کشید که حاصل آن آفرینش مجموعه‌های بسیاری درباره مسائل فرهنگی، وضعیت زندگی و آداب و رسوم هر کشور بود.

طرحهای سیرل برای ما دارای این پیام اصلی است که «بیشتر از این جدی نباشیم!» روش خود او بر خوروی نه چندان جدی و نه چندان شوخی، با موضوعات جدی است. برای همین ممکن است که در وهله اول بایندن طرحهای او نخندیم، اما می‌توانیم واقعیت را از ورای آنها ببینیم و در نهایت اگر قرار بود خنده‌ای بر لبانمان ظاهر شود آن را به شکل زهر خندی تحویل دهیم.

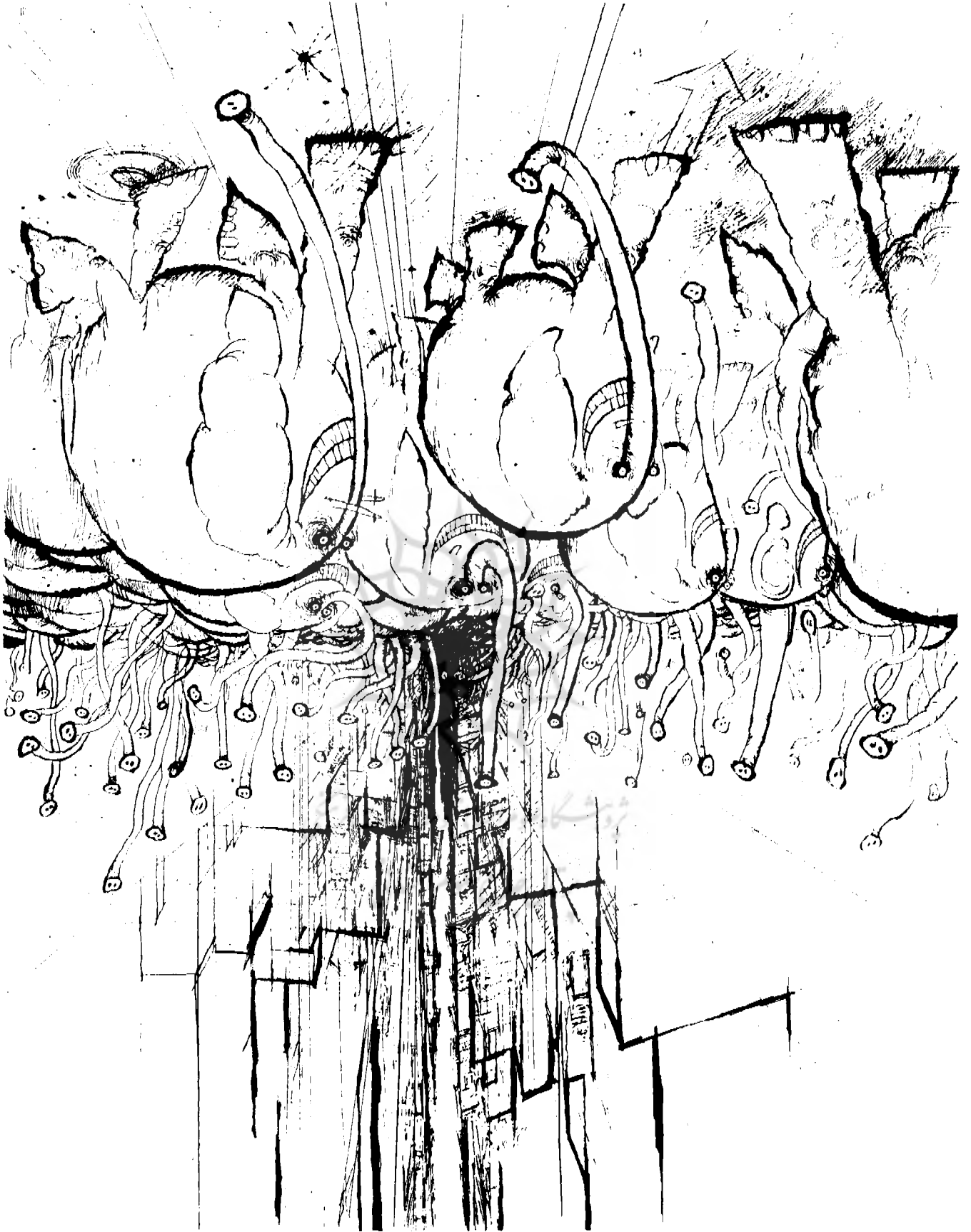
این برمی‌گردد به شخصیت روحی و کاری سیرل که آثارش بیشتر در محدوده طنز سیاه قابل بررسی است.

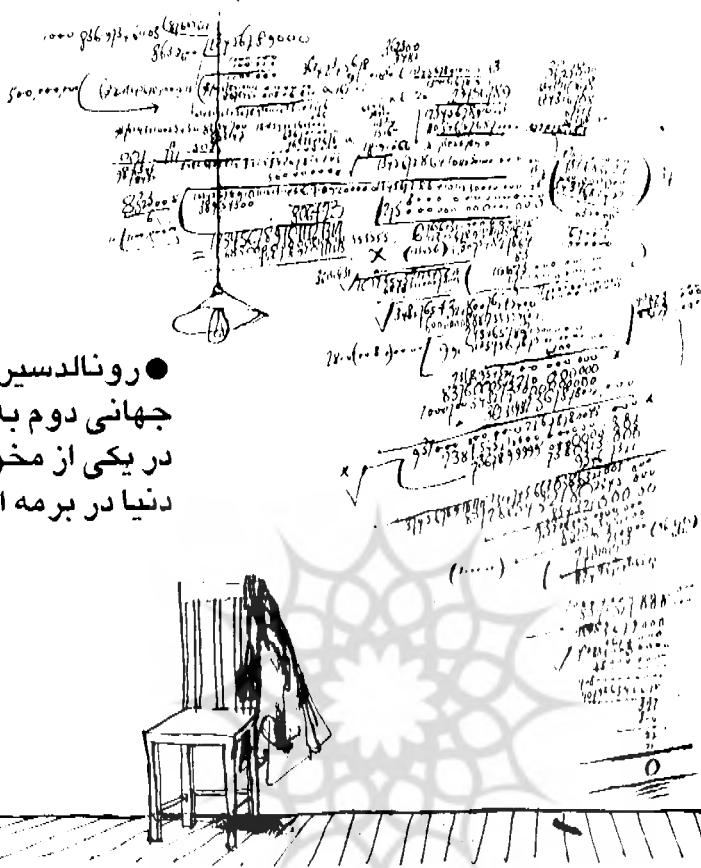
رسالت سیرل آشکار کردن دنیای واقعی انسانهاست. در طرحهای او مردها و زنها به شکل حیوانات و جانوران در می‌آیند (حلزوزن، گرچه، کلاغ، فیل، اسب، گوسفند و...) که تصور این امر شاید برای ما چندان خوشایند نباشد. در واقع سیرل به ما نشان می‌دهد که ممکن است خود ما نیز حیوانی در میان یکی از گله‌های او باشیم. به بیان دیگر، او محترمانه به ما فحش می‌دهد. به تصور او، انسانهای معاصر همچون گله‌ای فیل‌اند که سرخوش و شادمان در حال عبور از جنگل آسمانخراشهایند (روشن است از تصور اینکه یک فیل یا یک هیولا باشیم زیاد راضی نباشیم!) ظاهر! آنچه شباهت ظاهری انسان با فیل در نظر او شکم پرستی انسانهاست.

به این ترتیب سیرل در طرحهایش به اعتراض برمی‌خیزد و به ددمنشی و رذالت و شکم پرستی انسان معاصر حمله‌ور می‌شود.

او که خود معتقد است قربانی سیاستهای سیاست بازان قریبکار و خائن قرار گرفته است، افشاگر انسانهایی است که برای مطامع خود حاضرند دنیایی را فدا کنند. در کاریکاتوری از سیرل، شاهد حضور سمبل مرگ در پشت پیاوینی هستیم این در حالی است که بمب اتمی در پس زمینه در حال انفجار است و مرگ مشغول نواختن پیانو و خواندن این ترانه است: «کی ما با هم از این دنیا می‌رویم؟!»

سیرل را می‌توان از جهانی با توپور و استاینبرگ مقایسه کرد. استفاده بجای از بیان قدرتمند خط و نقطه در آثارش، او را به استاینبرگ نزدیک می‌کند و بیان موضوعات تلخ، دهشتناک و سورآلیستی از سوی سیرل دنیای توپور را به یاد می‌آورد. با این همه سیرل به عنوان یک پیشرو نوعی از کاریکاتور اعتراض آمیز را ارائه می‌دهد که در نوع خود بی‌مانند است.





● رونالد سیرل در جریان جنگ جهانی دوم به مدت هفت سال در یکی از مخوفترین زندانهای دنیا در برمه اسیر و زندانی بود.

مشاهده می‌شود، حکایت از خودکشی دانتشندی دارد.

سیرل با این طرح ما را در جریان واقعه‌ای می‌گذارد که بیننده تنها با یک تصویر باید از ماجرای آن با خبر شود. در این تصویر نوع برخورد او با ماجرا با خطوطی ساده و در عین حال با قدرت شکل می‌گیرد و تاکید وی بر پنجره با خطوطی ضخیم و تیره‌تر بر فراز داستان تاکید دارد. پرده پنجره که با ورزش نسیمی به حرکت درآمده، تنها عامل تلطیف کننده احساسی این‌گونه خشونت‌آمیز است...

ادامه دارد
ماخذ:

1- RONALD SEARLE
Ronald Searle/ Denoel/ 1984/ London.

در این کشور به هر قیمتی حتی جنگ بیشتر طالب منافع مادی خود هستند. دیدگاه او در مورد کشورهای بلوک شرق (قبل از فروپاشی) حاکی از تضاد آشکار و فاصله زیاد میان دولتمردان و مردم این کشورهاست. در مقابل، وی به آمریکا به عنوان جلوه‌ای از زرق و برقی توخالی نگاه می‌کند.

فضا سازی و ترکیب بندیهای زیبا و غیر معمول و نوع اجرای طراحی گونه کاریکاتورها شخصیتی ویژه به آثار سیرل می‌بخشد. در عین حال، کاریکاتورهای سیرل از جهت مضمون دارای ژرفایی است که بیننده را با خود به درون هدایت می‌کند و در آنجا پیام غیر منتظره‌ای را به او اهدا می‌کند.

در طرحی از سیرل، نمایی از اطای را می‌بینیم که در گوشه‌ای از آن یک صندلی قرار دارد و بر روی دسته آن کتی افتاده است. بر روی دیوار اطای فرمولهایی نوشته شده و قلمی بر روی زمین افتاده است و در کنار آن پنجره‌ای کشوده وجود دارد. بانگهای دقیقتر و موشکافانه‌تر در جریان جزئیات دیگری از این طنز تلخ قرار می‌گیریم. حاصل فرمولهای نوشته شده بر دیوار مساوی با صفر است و پنجره بازی که از پس آن ساختمانها و آپارتمانها

از ویژگیهای آثار سیرل خشونت است که با مجموعه‌ای از آدمها، حیوانات و فضا سازی هولناک شکل می‌گیرد. آدمها و حیوانات در آثار او با قیافه‌های وحشت زده، چشمانی پف کرده و وق زده ظاهر می‌شوند. این اغراق و خشونت حاصل مخالفت سیرل با تمامی پلیدیهای است که او به خوبی آنها را کشف کرده و زیر ذره‌بین طنز خود به جستجو در کالبد آنها پرداخته است.

بخش عمده‌ای از آثار سیرل در واقع سفرنامه‌های او به کشورهای گوناگون است. وی معتقد است آثارش آینه تمام‌نمای زندگی است. در مجموعه کاریکاتورهایی که سیرل از فرانسه (نقد و بررسی آثار سیرل از کشور فرانسه در شماره بعد چاپ خواهد شد) طراحی کرده است، اغراق و غلوی ستایش آمیز از روش زندگی در آنجا مشاهده می‌شود. در آلمان او بیشتر به دنبال دولتمردانی در هیئت خوکهای چاقی است که با پوشیدن شلوار کلهایی با آرم صلح جویان ادای شخصیتهای صلح‌جو را در می‌آورند. در واقع، کارهای او از آلمانها نمایانگر آن است که علی‌رغم تمایل مردم این کشور به صلح‌جویی، دولتمردان و صاحبان قدرت

